

مقایسه ویژگیهای شخصیتی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مشهد و ارتباط این ویژگیها با رضامندی زناشویی

راضیه حافظ شهرباف

کارشناس ارشد مشاوره

دکتر سیمین حسینیان

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا(س)

چکیده

این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار و ارتباط این ویژگیها را با رضامندی زناشویی در شهرستان مشهد، بررسی می‌کند. نمونه این تحقیق شامل ۳۰۱ نفر (۱۵۵ نفر زنان شاغل و ۱۴۵ نفر زنان خانه‌دار) بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین حجم جامعه زنان شهرستان مشهد انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه رضامندی زناشویی "ENRICH" و سیاهه شخصیتی کالیفرنیا "CPI" بودند. واریسی اعتبار در این تحقیق نشان داد که میانگین اعتبار مقیاسهای شخصیتی زنان، در مورد زنان شاغل و خانه‌دار به ترتیب دارای میانگین ۹۱/۰۶ و ۸۶/۴۸ می‌باشد. در پایان، نتایج این تحقیق نشان داد که میزان رضامندی زناشویی در زنان شاغل متفاوت از زنان خانه‌دار نیست و بین ویژگیهای شخصیتی این دو گروه تفاوت وجود دارد. همچنین بین تعدادی از ویژگیهای شخصیتی و رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار ارتباط مثبت وجود دارد. ضمناً رابطه منفی بین تعداد فرزندان و میزان رضایت زناشویی در هر گروه دیده شده است.

مقدمه

خانواده اصلی‌ترین هسته هر جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی است و نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان، یعنی پدران و مادران آینده جامعه دارد. هیچ نهاد و مرجعی نمی‌تواند جایگزین خانواده و به ویژه مادر شود و جامعه‌ای سالم‌تر و پویاتر است که مادران و پدران با شخصیت‌تر و سالم‌تر و با اعتمادتر داشته باشد.

همگام با دگرگونی‌های صنعتی در دنیا، خانواده ایرانی نیز در نیم قرن اخیر شاهد دگرگونی‌های چشمگیری در روابط خانوادگی، تعاملات اجتماعی - صنعتی و در نتیجه تغییر نگرشها و علایق زنان نسبت به امور اجتماعی و اشتغال بوده است.

اشتغال زن نیز در فعالیت‌های اقتصادی خارج از چارچوب خانواده، در طی چند دهه گذشته، به‌ویژه در جوامع شهری تدریجاً اهمیت یافته و مسائلی را در زمینه رضامندی از زندگی زناشویی مطرح کرده است. از جمله این مسائل می‌توان به تعدد نقش و فشارهای روانی حاصل از آن اشاره کرد.

از طرفی، پایداری و ثبات نقش و کارکرد زنان خانه‌دار در کنار زنان شاغل نیز باعث ایجاد مقایسه‌های احتمالی بین آنها در تأیید یا رد اشتغال یا خانه‌دار بودن و ایجاد اثرات مثبت و منفی بر رضایت از زندگی زنان خانه‌دار شده است. نکته مهم این است که بدون ارزشیابی‌هایی دقیق و همه‌جانبه روانی - عاطفی و شخصیتی نمی‌توان نتایج مطلوبی در زمینه میزان رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار که خود زمینه‌ساز سلامت و بهداشت روانی جامعه است بدست آورد. از سوی دیگر با شناخت دقیق نگرش‌های مختلف زنان نسبت به زندگی زناشویی و با آگاهی یافتن از ویژگی‌های شخصیتی زنان شاغل و خانه‌دار، می‌توان جهت بالا بردن میزان رضامندی زناشویی آنها و بهبود برنامه‌های مشاوره‌ای گام‌های مؤثری برداشت و به تغییرات مثبت و سازنده‌ای در محیط زندگی و محیط کاری دست زد، و در نتیجه به استحکام و دوام خانواده و پیشرفت و تعالی جامعه کمک نمود.

از طرفی، بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان از جمله: «لازاروس و کوسیک»،

(۱۹۹۶)، عقیده دارند که ریشه بسیاری از انحرافهای شخصیتی (مانند: وسواس، اختلال شخصیت پارانوئیدی و...) را باید در پرورش نخستین خانوادگی فرد جستجو کرد. همچنین بسیاری از ناسازگاریهای اجتماعی از جمله بزهکاری، انحرافات جنسی و بیماریهای روانی نیز در ارتباط مستقیم با ناسازگاریهای خانوادگی قرار دارند. از طرفی، طبق تحقیقات انجام شده درباره ریشه اختلافهای خانوادگی، از جمله تحقیقات «کریشناو، ۱۹۹۴» ثابت شده است که ریشه بسیاری از بیماریهای روانی که بر همه اعضای خانواده و جامعه تأثیرات نامطلوبی می‌گذارد، طلاق است.

همچنین نتایج تحقیق صالحی (۱۳۷۳)، نشان داد که ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار کانون‌های بازپروری دارای خانواده‌های از هم گسیخته بوده‌اند و همچنین ۴۰ درصد نوجوانان بزهکار مبتلا به نوعی بیماری روانی از جمله: افسردگی و شخصیت ضداجتماعی، پدر یا مادر خود را به علت طلاق از دست داده بودند و یا دارای خانواده‌هایی بودند که والدین آنها علی‌رغم زندگی مشترک دچار اختلافهای شدید خانوادگی بودند.

نکته مهم در نتایج تحقیق این مسأله است که بیشترین تأثیر منفی عدم تفاهم در زندگی زوجین متوجه فرزندان است و فرزندان اولین قربانیان اختلافات بین زوجین و طلاق هستند.

صالحی (۱۳۷۳) عقیده دارد که اگر زوجین با شناخت و آگاهی از ویژگی‌های همسر خود، سعی در شناخت بهتر خصوصیات اخلاقی و درک شرایط روحی هم‌دیگر داشته باشند، در جامعه کمتر شاهد چنین معضلاتی خواهیم بود. نظم و قوام هر خانواده وابسته به عوامل زیادی است از جمله: میزان رضامندی زناشویی زوجین، رشد اجتماعی - عاطفی زوجین، میزان آگاهی از وظایف و ویژگی‌های شخصیتی زوجین در طول زندگی مشترک. و در این میان، زن به عنوان یک پایه اساسی در تشکیل خانواده، نقشی اساسی در انسجام و دوام کانون خانواده و همچنین نقش مهمی در پرورش و رشد شخصیت فرزندان و آینده‌سازان جامعه دارد.

با توجه به اینکه زنان تقریباً نیمی از جمعیت جامعه ما را تشکیل می‌دهند و فعالیت و

تلاش آنها، چه در خانه و چه در عرصه اشتغال، باعث ایجاد نقش‌های چندگانه برای آنها شده است و از طرفی بهداشت روانی و رشد و تعالی جامعه در گرو سلامت و بهداشت روانی خانواده است، تصمیم گرفته شد تحقیقی در زمینه مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان شاغل و خانه دار و میزان رضامندی زناشویی آنها انجام گیرد تا از طریق شناخت ویژگی‌های شخصیتی آنها و شناسایی ارتباط احتمالی این ویژگی‌ها با رضامندی زناشویی به اهداف زیر دست یابیم:

هدف اول از انجام این تحقیق، کمک به خانواده‌ها، مراکز مشاوره، دادگاه‌ها و اداره‌ها

می‌باشد، که با شناخت هر چه بیشتر ویژگی‌های شخصیتی زنان، برنامه‌ریزی‌های دقیق و مناسبتری به منظور بالا بردن بهداشت روانی زنان و در نتیجه سلامت جامعه و استحکام و پایداری کانون خانواده انجام دهند.

خودشناسی و شناخت ویژگی‌های همسر، نخستین گام بسوی صمیمیت است و برای رسیدن به آن، زوجین باید بخواهند که همدیگر را بشناسند. بنابراین هدف دوم از انجام این تحقیق، آگاهی دادن به مردان جامعه است، تا از طریق شناخت شرایط روحی و ویژگی‌های شخصیتی همسران خود، آنها را بهتر درک کرده و در نتیجه به برقراری جو خانوادگی سالم و استحکام بخشیدن به کانون خانواده خود کمک کنند. هدف نهایی از انجام این تحقیق، کمک به سازمانهایی است که در آنها، زنان به عنوان گردانندگان چرخهای اقتصادی، همدوش با مردان علاوه بر ایفای نقش همسری و مادری، به فعالیت مشغول هستند. تا از طریق آگاهی یافتن از خصوصیات روانی - عاطفی و شخصیتی آنها، برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری به منظور کم کردن عوامل تنش‌زای کاری و کاهش فشارهای ناشی از کار انجام دهند.

سابقه تحقیق:

درباره رضامندی زناشویی و همچنین ویژگی‌های شخصیتی زنان تحقیقات متعددی صورت گرفته است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

ریتی^۱ (۱۹۸۴)، درباره خانواده‌های دوشغله که زن و شوهر، ضمن کار در بیرون از منزل وظیفه انجام امور منزل را شخصاً انجام می‌دهند تحقیق کردند. نتایج تحقیق نشان داد که: خانم‌های شاغلی که از شغلشان راضی بودند، بیش از خانم‌های خانه‌دار از زندگی زناشویی خود لذت می‌بردند و نسبت به فرزندان خود احساس بهتری داشتند. ولی این زنان معمولاً مشکلات، تنشها و گرفتاریهای شغلی خود را به منزل می‌آورند. (شبان، ۱۳۷۹).

در تحقیقی که هوستون^۲ (۱۹۹۲) تحت عنوان فشار شغلی، فشار روانی و مشکلات سلامت جسمی در زنان شاغل تمام وقت و در زنان خانه‌دار، انجام داد به این نتیجه رسید که با افزایش سنگینی نقش در زنان شاغل، نارضایتی زناشویی آنان نیز افزایش می‌یابد. (شبان، ۱۳۷۹)

گرین گلاس^۳ (به نقل از اسودی و حسینی، ۱۳۷۶)، در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که استرس شغلی، تعارض نقش‌ها و نارضایتی زناشویی، از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم فوران ناگهانی خشم و عصبانیت‌های شدید زنان محسوب می‌شود.

خانا^۴ (۱۹۹۲)، در تحقیق به بررسی و فشار زندگی در زنان شاغل و خانه‌دار در زمینه اضطراب و افسردگی پرداخت او از تحقیق خود نتیجه گرفت که اضطراب همبستگی منفی با تغییرات مثبت زندگی در آزمودنیهای غیرشاغل داشت در حالی که افسردگی رابطه معنادار و مثبتی با تغییرات مثبت از قبیل تولد کودک در زندگی شاغلین داشت. ولی همین رابطه در زنان خانه‌دار همگام با تغییرات منفی زندگی دیده می‌شد.

فراست و کلایسون^۵ (به نقل از اسودی و حسینی، ۱۳۷۶)، به بررسی و سنجش میزان عزت نفس و استرس مرتبط با رویدادهای زندگی و مکان کنترل در زنان شاغل و خانه‌دار پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شاغل نبودن میزان عزت نفس زنان را کاهش می‌دهد و شاغل نبودن سوگیری مکان کنترل خود را به سمت خارج افزایش

1. Reptli

2. Hoston

3. Green glass

4. Khanna

5. Frost & clayson

می‌دهد. ولی ارتباط معناداری بین شاغل بودن و افزایش میزان استرس به واسطه تجربه تغییرات مهم زندگی وجود نداشت.

والکر و بست^۱ (به نقل از دنیایی، ۱۳۷۶) در مورد «بهبودی یا سلامت روانی مادرانی که کودکان خردسال دارند، مقایسه‌ای مقدماتی را در مورد زنان شاغل و خانه‌دار انجام دادند. آنها از تحقیق خود نتیجه گرفتند که: اشتغال اثرات مثبتی بر بهداشت روانی زنان دارد. با وجود این استرسورهایی که خاص مادران بچه‌دار شاغل تمام وقت می‌باشد سلامت روانی آنها را کاهش می‌دهد.

حیدری (به نقل از صالحی، ۱۳۷۳)، در تحقیق خود تحت عنوان «ارتباط بین شخصیت و رضامندی زناشویی» نتیجه گرفت که ویژگی‌هایی مثل: مسئولیت‌پذیری - میزان اعتماد به نفس و خویشن‌داری - عوامل مهمی در افزایش رضامندی زناشویی زوجها است.

کوالکسی^۲ (به نقل از شبانی، ۱۳۷۹) از تحقیق خود نتیجه گرفت که زنان متأهل شاغل بدون توجه به اینکه چگونه مسأله نظم‌دهی نظام خانوادگی خود را حل کنند، از عزت نفس بالایی برخوردار هستند.

وارگا^۳ (۱۹۹۳)، طبق تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که: ارتباط مثبتی بین رضامندی زناشویی و مسئولیت‌پذیری زنان متأهل وجود دارد. همچنین ارتباط مثبتی بین رضامندی زناشویی و انعطاف‌پذیری و انگیزه پیشرفت زنان وجود دارد.

ساکو^۴ (به نقل از شبانی، ۱۳۷۹) از تحقیقات خود نتیجه گرفت که بین رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معناداری وجود ندارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر که به منظور مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان متأهل شاغل و

1. Walker & Best

2. Kowalski

3. Vargha

4. Sacco

خانه‌دار و ارتباط این ویژگی‌ها با رضامندی زناشویی انجام گرفته است از روش تحقیق «علی - مقایسه‌ای» استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مشهد بوده است، مشروط بر اینکه تا سال (۷۹-۷۸) حداقل (۴-۵) سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد و در دامنه سنی بین ۲۴ تا ۴۵ سالگی قرار داشته باشند. همچنین دارای فرزند بوده و سطح تحصیلات آنان از اول راهنمایی تا حداکثر پایان دوره کارشناسی باشد.

متغیرهای مداخله‌گر این پژوهش، شامل عوامل سن، تحصیلات، فرزندان، نوع شغل و سال‌های زندگی مشترک بوده، که با انتخاب آزمودنیها طبق شرایط خاص سعی در کنترل این عوامل مداخله‌گر شده است. در انجام این پژوهش تعداد ۳۰۰ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار همکاری داشته‌اند که ۱۵۵ نفر از آنان را زنان شاغل و ۱۴۵ نفر را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دادند.

جهت انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و انتخاب تصادفی در مرحله نهایی استفاده شده است.

ابزار اندازه‌گیری

به منظور انجام پژوهش حاضر از دو پرسشنامه: ۱- پرسشنامه رضامندی زناشویی (ENRICH) و ۲- سیاهه شخصیتی کالیفرنیا (CPI) استفاده شده است. لازم به ذکر است که پرسشنامه‌های فوق به صورت انفرادی توسط آزمودنیها تکمیل گردید.

۱- پرسشنامه رضامندی زناشویی (ENRICH)

از این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیقی معتبر در تحقیقات متعدد برای بررسی رضایت زناشویی استفاده شده است.

فرم اصلی پرسشنامه رضایت زناشویی (ENRICH)، از ۱۲ مقیاس (شامل ۱۱۵ سؤال) تشکیل شده است که بجز مقیاس اول آن که ۵ سؤال دارد، تمبر مقیاسها شامل ۱۰ سؤال است. پاسخ به سؤالات به صورت ۵ گزینه‌ای: (کاملاً موافق، موافق، نه موافق،

نه مخالف، مخالف و کاملاً مخالف) است.

اعتبار فرم اصلی این پرسشنامه با روش ضریب آلفا، ۹۲٪ گزارش شده است. در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی میزان رضایت زناشویی از فرم هنجاریابی شده آزمون فوق استفاده شده است. این فرم توسط سلیمانان (به نقل از شبانی، ۱۳۷۶) در ایران هنجاریابی شده و تعداد سؤالات آن از ۱۱۵ سؤال به ۴۷ سؤال کاهش یافته است. و میزان اعتبار فرم کوتاه شده پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفا ۹۵٪ گزارش شده است.

لازم به ذکر است که نمره‌های محاسبه شده برای فرم، از نوع مقیاس (T) است که در آن میانگین برابر ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ می‌باشد. روایی و اعتبار این پرسشنامه در پژوهش شبانی (۱۳۷۹) نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

۲- سیاهه شخصیتی کالیفرنیا (CPI)^۱

در این پژوهش، پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا به عنوان یکی از معتبرترین آزمونهای شخصیتی در جهت سنجش خصوصیات بین فردی مورد استفاده قرار گرفته است. اساس و بنیان ساخت (CPI) براساس روش تجربی بوده است. و در آن بعضی از سؤالهایی که در پرسشنامه شخصیتی «ام. ام. پی. آی» (MMPI)، وجود دارد استفاده شده است. ولی این آزمون بیشتر برای اندازه‌گیری صفات «عادی» شخصیت طراحی شده است.

آزمون (CPI) یک آزمون مواد کاغذی خود اجراست که سؤالات آن به صورت دوگزینه‌ای یا «صحیح و غلط» است که آزمودنی با مطالعه عبارت هر سؤال جواب را در پاسخنامه علامت‌گذاری می‌کند. آزمون (CPI) دارای ۱۸ مقیاس استاندارد است که هر مقیاس برای شناسایی یک خصیصه مهم از ابعاد روان‌شناسی بین فردی مناسب است.

1. California Psychological Inventory (CPI)

مقیاس‌های سیاهه شخصیتی (CPI) عبارتند از:

- ۱- سلطه‌گری (do)
- ۲- استعداد کسب پایگاه (Cs)
- ۳- مردم‌پذیری (Sy)
- ۴- حضور اجتماعی (Sp)
- ۵- خود‌پذیری (Sa)
- ۶- احساس خوب بودن و سلامتی، (Wb)
- ۷- مسئولیت‌پذیری (Re)
- ۸- اجتماعی شدن (SO)
- ۹- خویشمن‌داری (Sc)
- ۱۰- تحمل (To)
- ۱۱- برداشت خوب (Gi)
- ۱۲- اشتراک (Cm)
- ۱۳- پیشرفت از طریق هم‌نوایی (Ac)
- ۱۴- پیشرفت به وسیله استقلال (AI)
- ۱۵- کارایی ذهنی (Ie)
- ۱۶- استعداد روان‌شناختی (Py)
- ۱۷- انعطاف‌پذیری (Fx)
- ۱۸- جنبه زنانگی داشتن (Fe)

در پژوهش حاضر به منظور سنجش خصیصه‌های شخصیتی و آزمودنی‌ها از فرم هنجاریابی شده این آزمون استفاده شده است.

فرم هنجاریابی شده آزمون (CPI) در سال (۱۳۷۵)، در مشهد توسط دانشگاه فردوسی مشهد و اختصاصاً بر روی مردم شهرستان مشهد هنجاریابی شده و تعداد سؤالات آن در این فرم از ۴۸۰ عبارت به ۲۳۴ عبارت کاهش یافت.

اعتبار این آزمون از طریق همسانی درونی و به روش کودر ریچاردسون مورد مطالعه قرار گرفت که اعتبار مقیاس‌های هجده‌گانه مورد پژوهش همخوانی بالایی را با نتایج مطالعات «گاف» در فرم اصلی آزمون نشان داده است.

در این هنجاریابی پایین‌ترین ارزش اعتبار برای مقیاس «استعداد روان‌شناختی» برابر با ۵۳٪ گزارش شده است و بالاترین اعتبار برای مقیاس «خویشمن‌داری» برابر با ۸۹٪ محاسبه گردیده است. اعتبارهای بدست آمده در فرم هنجاریابی شده با اعتبار گزارش شده بوسیله «گاف» همخوانی کامل دارد. لازم به ذکر است که میزان اعتبار کلی بدست آمده برای دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار در پژوهش حاضر برابر با ۸۹/۴۵ صدم می‌باشد. همچنین میزان اعتبار بدست آمده برای زنان شاغل و زنان خانه‌دار شرکت‌کننده در پژوهش به ترتیب مقادیر (۹۱/۰۶ و ۸۶/۴۸) صدم می‌باشد.

همچنین طبق گزارش مهram (۱۳۷۵) روایی مقیاس‌های آزمون (CPI) از طریق انواع روایی سازه و به صورت همسانی درونی تحلیل عوامل و از طریق بررسی محتوایی مورد مطالعه قرار گرفته و تأیید شده است.

جدول شماره ۱. توزیع میزان رضامندی زناشویی برای دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار و کل آزمودنیها

کل		زنان خانه‌دار		زنان شاغل		دامنه نمرات براساس
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	مقیاس T
۱۰/۷	۳۲	۸/۳	۱۲	۱۲/۹	۲۰	نمره‌های کمتر از ۳۰
۳۰/۴	۹۲	۳۱	۴۵	۳۰/۳	۴۶	نمره‌های بین ۳۰-۴۰
۵۵	۱۶۵	۵۷/۳	۸۳	۵۲/۹	۸۲	نمره‌های بین ۴۰-۶۰
۳/۸	۱۱	۳/۴	۵	۳/۹	۷	نمره‌های بین ۶۰-۷۰
-	-	-	-	-	-	نمره‌های بالاتر از ۷۰
کل ۱۰۰ درصد n=۳۰۰		کل ۱۰۰ درصد n=۱۴۵		کل ۱۰۰ درصد n=۱۵۵		

جدول شماره ۲. مقایسه میانگین نمرات رضامندی زناشویی در دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار

مقدار t	خطای استاندارد تفاضل دو میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری گروه‌ها
۰/۲۷	۲/۴۴	۳۰/۴۷	۱۵۶/۴۹	۱۵۵	زنان شاغل
	۲/۰۸	۲۵/۱۲	۱۵۷/۳۷	۱۴۵	زنان خانه‌دار

df=۲۹۸

*=p<۰/۰۵

n=۳۰۰

با توجه به اینکه مقدار (T) محاسبه شده (T = ۰/۲۷) کوچکتر از مقدار T جدول (۱/۹۶) با درجه آزادی ۲۹۸ و سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد، باید نتیجه گرفت که

تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر میزان رضامندی زناشویی وجود ندارد.

جدول شماره ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین ویژگیهای شخصیتی و رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار

ویژگیها	میزان همبستگی زنان شاغل	میزان همبستگی زنان خانه‌دار	ویژگیها	میزان همبستگی زنان شاغل	میزان همبستگی زنان خانه‌دار
۱- پیشرفت از طریق همنوایی	*۰/۳۱	-۰/۷	۱۰- استعداد روان‌شناختی	*۰/۲۰	-۰/۰۴
۲- پیشرفت به وسیله استقلال	*۰/۲۳	۰/۸	۱۱- مسئولیت‌پذیری	%۰/۳۵	-۰/۰۴
۳- اشتراک	۰/۱۲	۰/۰۰۳	۱۲- خودپذیری	۰/۱۰	۰/۰۹
۴- استعداد کسب پایگاه	*۰/۳۴	۰/۱۴	۱۳- خویشنداری	*۰/۲۷	۰/۱۴
۵- سلطه‌گیری	*۰/۲۹	۰/۱۳	۱۴- اجتماعی شدن	*۰/۲۵	*۰/۲۳
۶- جنبه زنانگی داشتن	*۰/۲۵	۰/۱۳	۱۵- حضور اجتماعی	*۰/۲۹	*۰/۱۸
۷- انعطاف‌پذیری	۰/۱۱	-۰/۰۱	۱۶- مردم‌پذیری	*۰/۲۴	۰/۱۲
۸- برداشت خوب	*۰/۲۲	۰/۰۹	۱۷- تحمل	*۰/۱۸	*۰/۲۱
۹- کارایی ذهنی	*۰/۳۷	۰/۱۳	۱۸- احساس خوب بودن و سلامتی	*۰/۲۸	*۰/۲۵

*= $p < 0/05$

$r = 0/15$

میزان همبستگی‌هایی که با علامت ستاره «*» مشخص شده است نشان دهنده این است که این مقدار همبستگی با درجات آزادی (۱۴۴ و ۱۵۴) $(df = 144 \text{ و } 154)$ و سطح اطمینان ۹۵٪ از میزان همبستگی جدول (۱۵٪ $r = 0/15$) بیشتر بوده، یعنی رابطه معناداری بین مقیاسهای شخصیتی فوق و میزان رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۴. تفاوت ویژگی‌های شخصیتی در زنان شاغل و زنان خانه‌دار

ارزش T	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری		ویژگی‌های شخصیتی
				گروهها		
*-۲/۱۶	۳/۶۷ ۴/۳۵	۲۸/۷۵ ۲۹/۷۵	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱- پیشرفت از طریق همنوایی
*-۱/۷۸	۲/۵۱۰ ۲/۳۴	۲۰/۸۶ ۲۱/۳۶	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۲- پیشرفت به وسیله استقلال
-۱/۳۶	۲/۲۰ ۱/۵۴	۱۳/۵۳ ۱۳/۸۵	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۳- اشتراک
*-۲/۴۶	۲/۶۵ ۳/۳۷	۲۲/۵۹ ۲۵/۴۵	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۴- استعداد کسب پایگاه
-۱/۷۲	۳/۳۶ ۳/۳۹	۳۲/۰۸ ۳۲/۷۵	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۵- سلطه‌گری
-۱/۱۵	۱/۹۴ ۳/۴۸	۱۷/۹۵ ۱۸/۳۲	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۶- جنبه زنانگی داشتن
۱/۵۳	۳/۳۷ ۳/۱۰	۲۰/۶۵ ۲۰/۰۸	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۷- انعطاف‌پذیری
-۱/۸۴	۳/۳۹ ۴/۲۴	۳۴/۸۲ ۳۵/۶۳	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۸- برداشت خوب
-۱/۸۶	۴/۱۶ ۴/۶۵	۳۷/۶۵ ۳۸/۶۰	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۹- کارایی ذهنی
-۱/۵۹	۲/۱۶ ۲/۰۲	۱۵/۲۶ ۱۵/۶۴	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۰- استعداد درون‌شناختی
-۱/۳۳	۲/۶۳ ۳/۷	۲۷/۵۱ ۲۸	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۱- مسئولیت‌پذیری
*-۲/۷۹	۲/۵۹ ۲/۸۲	۲۴/۶۰ ۲۵/۴۸	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۲- خودپذیری
*-۳/۰۴	۵/۴۴ ۷/۳۷	۶۱/۰۸ ۶۳/۳۶	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۳- خویش‌داری
*-۲/۶۷	۳/۸ ۲/۲۳	۳۵/۳۵ ۳۶/۶۳	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۴- اجتماعی شدن
-۱/۶۲	۱/۹۷ ۲/۶۰	۱۷/۷۷ ۱۸/۲۰	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۵- مردم‌پذیری
*-۲/۶۱	۳/۲۷ ۳/۹۲	۳۱/۱۰ ۳۲/۲۱	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۶- تحمل
-۱/۴۹	۶/۸۹ ۶/۲۶	۵۱/۵۲ ۵۸/۶۵	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۷- احساس خوب بودن (سلامتی)
-۳/۳۹	۳/۲۰ ۴/۰۸	۳۴ ۳۵/۴۵	۱۴۵ ۱۵۵	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	۱۸- حضور اجتماعی

*p<۰/۰۵

df=۲۹۸

n=۳۰۰

ارزشهای (T) که با علامت ستاره «*» مشخص شده است، نشان دهنده این است که تفاوت میانگین‌های بدست آمده برای زنان خانه‌دار و شاغل در مقیاسهای مورد نظر، معنادار بوده و مقادیر (T) حساب شده با توجه به درجه آزادی ($df = 298$) و سطح اطمینان ۹۵٪ از مقدار T جدول $T = \pm 1/96$ بیشتر بوده است. همانطور که مشاهده می‌شود زنان شاغل و خانه‌دار در هفت ویژگی شخصیتی باهم تفاوت معنادار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور مقایسه بین ویژگیهای شخصیتی زنان شاغل و خانه‌دار و ارتباط آن با رضامندی زناشویی انجام گرفت. فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

- ۱- بین ویژگیهای شخصیتی و رضامندی زناشویی زنان شاغل ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین ویژگیهای شخصیتی و رضامندی زناشویی زنان خانه‌دار ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین میزان رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین ویژگیهای شخصیتی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین تعداد فرزندان زنان شاغل و خانه‌دار و میزان رضامندی زناشویی آنان ارتباط وجود دارد.

فرضیه اول و دوم که رابطه بین ویژگیهای شخصیتی زنان شاغل و خانه‌دار و ارتباط آن با رضامندی زناشویی را مورد بررسی قرار می‌داد، براساس تعدادی از ویژگیهای شخصیتی آزمون (CPI) تایید شد. به این معنی که در مورد زنان شاغل، ویژگیهای شخصیتی، پیشرفت از طریق همنوایی، پیشرفت به وسیله استقلال، استعداد کسب پایگاه، سلطه‌گری، جنبه زنانگی داشتن، برداشت خوب، کارایی ذهنی، استعداد روان‌شناختی، مسئولیت‌پذیری، خویشتن‌داری، اجتماعی شدن، حضور اجتماعی، مردم‌پذیری، تحمل، و احساس سلامتی. با رضامندی زناشویی دارای همبستگی نسبتاً بالایی بودند و نتایج پژوهش نشان داد که هر چه میزان رضامندی زناشویی زنان شاغل بیشتر باشد، صفات مشخص‌کننده این مقیاسها در آنها بالاتر است و به عبارت دیگر، زنان شاغلی که دارای توانایی‌ها و صفات شخصیتی ذکر شده باشند، رضامندی زناشویی بیشتری دارند.

مشابه نتایج فوق در مورد زنان خانه‌دار در مقیاس‌های شخصیتی: اجتماعی شدن، تحمل، احساس خوب بودن و سلامتی، و مقیاس حضور اجتماعی بدست آمد. به این معنی که صفات شخصیتی ذکر شده با میزان رضامندی زناشویی زنان خانه‌دار ارتباط مثبت دارد. و هر چه میزان رضامندی زناشویی زنان خانه‌دار بیشتر باشد ویژگی‌های تعیین کننده صفات فوق در آنها بیشتر است و بالعکس، هر چقدر بتوان خصوصیات ویژگی‌های ذکر شده را در آنها بیشتر پرورش داد می‌توان به افزایش میزان رضامندی زناشویی آنها کمک نمود.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار هیچگونه تفاوتی وجود ندارد و اختلاف بین میانگین‌های بدست آمده از نظر آماری معنادار نبود.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که بین هفت ویژگی شخصیتی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معنادار وجود دارد و زنان شاغل و خانه‌دار در ویژگی‌های شخصیتی: پیشرفت از طریق همنوایی، استعداد کسب پایگاه، خودپذیری، خویشتن‌داری، اجتماعی شدن، تحمل، و مقیاس حضور اجتماعی با هم تفاوت دارند. با توجه به اینکه میانگین نمرات بدست آمده زنان شاغل در مقیاس‌های فوق بیشتر از میانگین نمرات زنان خانه‌دار است می‌توان نتیجه گرفت که زنان شاغل در بروز این مقیاسها توانایی بیشتری از زنان خانه‌دار دارند.

با توجه به نتایج تحقیق همچنین ارتباط بین تعداد فرزندان و میزان رضامندی زناشویی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج بررسی نشان داد که هر چه تعداد فرزندان زنان شاغل و خانه‌دار بیشتر شود میزان رضامندی زناشویی آنها کاهش می‌یابد. بیشترین میزان رضامندی زناشویی مربوط به کسانی است که دارای ۱ تا ۲ فرزند می‌باشند و کمترین میزان مربوط به کسانی است که بیش از ۵ فرزند دارند و افرادی که دارای ۳ فرزند می‌باشند، دومین میزان رضامندی زناشویی را به خود اختصاص داده‌اند.

امروزه، نقش زنان در جامعه کمتر از مردان نیست و علاوه بر اینکه زنان همپای مردان در بیرون از منزل به اشتغال می‌پردازند، از مسئولیتهایی ایشان در منزل هم کم

نشده و توقعات از آنها به عنوان یک زن خانه‌دار و مسئول چه از طرف خانواده و چه از طرف جامعه به قوت خود باقی است که این امر می‌تواند تأثیر زیادی در رضامندی از زندگی زناشویی آنها داشته باشد، از طرفی ماندن زن در خانه و صرفاً به امور منزل و فرزندان رسیدگی کردن و به دور از مسائل اجتماعی و اقتصادی بودن می‌تواند آسیب زیادی به بافت خانوادگی و شخصیت زن خانه‌دار وارد سازد و بر میزان رضامندی زناشویی او تأثیر بگذارد.

به نظر می‌رسد که مهمترین کاری که در این زمینه می‌توان انجام داد، ایجاد نگرش مثبت نسبت به اشتغال و یا خانه‌دار بودن در زنان شاغل و خانه‌دار است و این امر مستلزم ارائه آگاهی‌هایی طولانی مدت و آموزشهای مستمر به منظور رشد اجتماعی بیشتر بانوان جامعه است، آگاهی‌هایی که زن را با ارزش وجودی خویش آشنا سازد، زمانی که زنان جامعه ما به خودباوری کامل برسند، اشتغال یا عدم اشتغال نمی‌تواند تأثیری بر روحیه، افکار و رفتار آنها بجا بگذارد.

از طرفی ادارات و سازمانها باید با در نظر گرفتن روحیات و مشکلات و نقشهای چندگانه زنان شاغل به منظور کم کردن فشار روانی حاصل از کار، با ایجاد انعطاف در ساعات کاری زنان، ایجاد محلهایی برای مراقبت از کودکان، ارائه کارهای نیمه وقت و جلوگیری از کار تمام وقت سعی در بالا بردن بهداشت و آرامش روانی زنان شاغل داشته باشند.

از طرفی بالا بردن سطح تحصیلات و محدود کردن تعداد فرزندان می‌تواند میزان رضامندی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار را بالا ببرد.

ایجاد فرصتهایی برای زنان خانه‌دار به منظور شرکت هر چه فعالتر در اجتماع و ایجاد نگرش در خانواده‌ها مبنی بر فعال بودن زن در عرصه خانوادگی می‌تواند ویژگیهای مثبت شخصیتی را در آنها بالا برده و باعث ایجاد عزت نفس و اعتماد به نفس بالاتری برای آنها شود.

نکته آخر اینکه تحقیقات نشان داده است که کسانی که از شغل خود راضی هستند رضامندی زناشویی بالاتری دارند. براین اساس لازم است با بکارگیری متناسب

تخصصها، این امکان به زنان جامعه داده شود تا متناسب با تخصص و علاقه خود به فعالیت خارج از منزل پرداخته تا احساس رضایت بیشتری در رابطه با کار و به دنبال آن احساس رضامندی زناشویی بالاتری داشته باشند.

منابع

- اسودی، م. و حسینی، ز. (۱۳۷۶). بررسی اثر تفکرات غیرمنطقی و رضامندی از زندگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- جلیلی، ف. (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در رضامندی زنان شاغل و خانه‌دار از زندگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دلاور، ع. (۱۳۷۱). روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات پیام نور.
- دنیایی، ب. (۱۳۷۶). مطالعه میزان روانی زنان شاغل و بررسی اثر حمایت خانوادگی و وضعیت تأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- شهبانی‌حصار، ح. (۱۳۷۹). رابطه بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی زوجین، یا میزان رضامندی از زندگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صالحی، ج. (۱۳۷۳). اثر تعداد نقش و احساس رضایت از آن بر میزان عزت نفس و فشار روانی در دبیران زن تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فرید، ا. (۱۳۷۱). سیر تحولی خانواده در ایران. مجله زنان، سال اول، شماره ۸.
- مهرام، ب. (۱۳۷۵). جزوه هنجاریابی آزمون روانی کالیفرنیا (CPI). مشهد: دانشگاه فردوسی.

Krishnanv, (1994). "The impact of wives employment on attitude toward

- divorce. *Journal of Divorce and Remarriage*, vol, 22, I SS 102 pp 87-101.
- Khana. S. (1992). *Life stress among working and nonworking women in relation to anxiety and depression*.
- Kosek, R. (1996). The quest for a perfect spouse: Spousal rating and marital satisfaction. *Psychological Reports. Dec, Vol, 76*.
- Lazarus, R. s. (1996), "Psychological stress and coping process." colombia press, New York.
- Sacco. W., (1993). Attributional, perceptual and affective responses to depressed and nondepressed marital partners. Dept of Psychology. *Journal of consulting and clinical psychology. Dec. vol, 61*.
- Varga A. (1993). Personality of married couples and marital compatibility. *Magyar – Pszichologiai szemle. vol. 48*.